

چگونگی حضور مردم در حکومت علوی و مهدوی با نگاهی بر شاخصه تربیت نفوس*

خداامراد سلیمیان^۱
کوثرالسادات هاشمی^۲

چکیده

امام معصوم شئون دارد که اگر مجال ظهور یابد، در سیره امام دیده می‌شود. تشکیل حکومت از شئون سیاسی امام است که از جهات مختلف قابل بررسی است؛ همچون لزوم تشکیل حکومت توسط معصوم، مبانی حکومتی اسلامی در آیات، روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام. مردم نیز در فراهم آوردن شرایط برای ایجاد و استمرار آن می‌توانند نقش به‌سزایی داشته باشند. نوشتار حاضر به کیفیت حضور مردم در حکومت علوی و مهدوی می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که مردم در حکومت حضرت علی علیه‌السلام و حضرت مهدی، چگونه نقش‌آفرینی می‌کنند؟ یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که حاکم اسلامی در تمام شئون حاکمیتی اثرگذار است. در کنار او، مردم نیز در این مهم دخیل‌اند و مبانی اسلامی به حضور مردم در عرصه حکومتی مشروعیت می‌بخشد که در آیات، روایات، سیره معصوم و دلیل عقلی می‌توان به اثبات آن رسید. همچنین امت، در دو سطح عمومی و خواص، حضور پررنگی دارند و در ایجاد، نظارت، استمرار و مصونیت بخشی به حکومت نقش‌آفرینی می‌کنند. از این جهت که انسان برای رسیدن به تکامل خلق شده است. بخشی از مسیر تکامل از فعالیت اجتماعی حاصل می‌شود. انبیا و ائمه علیهم‌السلام نیز مردم را آماده می‌کردند تا به مرتبه‌ای برسند که مسئولیت‌های مختلف اجتماعی را به دوش بگیرند. در هر دورانی که مردم این استعداد را بیشتر در خود فراهم کنند، نقش مؤثرتری خواهند داشت. با توجه به این که حکومت امام زمان عجل‌الله‌تعالی جهانی و عدل محور است، مردم را به نقطه اوج تکامل در امور اجتماعی می‌رساند.

واژگان کلیدی

مردم، جمهوریت، حکومت اسلامی، مهدویت، امام علی علیه‌السلام.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۷

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).
۲. سطح چهار کلام اسلامی.

مقدمه

در سیره و عملکرد انبیاء الهی، پیامبرانی تشکیل حکومت دادند؛ مانند حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله. در میان جانشینان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز تنها حکومت کوتاه مدت حضرت علی علیه السلام تأسیس شد. با بررسی آنچه در ایجاد و حفظ این حکومت نقش داشت، می توان به معیارهایی رسید که نشانگر چگونگی تشکیل حکومت مهدوی است و بسان آینه ای به نقش مردم در آن حکومت موعود عمل می کند.

ملاک های یکسانی برای حضور مردم در ایجاد و حفظ حکومت الهی وجود دارد. تطبیق این ملاک ها ممکن است با شرایط و اقتضائات زمانی متفاوت باشد و با انعطاف پذیری همراه باشد. این نوشتار به دنبال پاسخ به این سوال است که مردم چگونه در حکومت علوی و مهدوی نقش آفرینی می کنند؟ و در راستای آن به این سوالات پاسخ می دهد که حکومت چیست و چه انواعی دارد؟ دیدگاه قرآن، روایات، سیره معصومین علیهم السلام درباره نقش مردم چه خواهد بود؟ عقل چگونه بر حضور مردم در حکومت دلالت دارد؟

تحقیقات ارزشمندی نیز در این باره نگاشته شده است؛ از جمله پایان نامه کارشناسی «مقایسه تطبیقی حکومت علوی و حکومت مهدوی علیه السلام» اثر اعظم رضایی که در آن به نوع نظام سیاسی این دو حکومت پرداخته است. همچنین کتاب *حکومت علوی الگوی حکومت مهدوی*، به بررسی ابعاد فکری - فرهنگی و اجرایی - حکومتی این دو حکومت می پردازد. همان طور که روشن شد، این آثار به ساختار حاکمیتی توجه داشتند و کمتر به نقش مردم اهمیت داده اند؛ اما نوشتار حاضر بر نقش مردم و چگونگی حضور آنان تأکید دارد. در مقاله «بیعت؛ ساز و کار مشارکت سیاسی مردم در حکومت مهدوی» به قلم خدامراد سلیمیان، نقش مردم در قالب بیعت با امام تحلیل و بررسی شده است. مقاله پیش رو، ابعاد دیگری از این مشارکت را تحقیق می کند.

معنای حکومت

حکم و حکومت در اصل، به معنای جلوگیری و منع از فساد است (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۱۹۰۲). همچنین به معنای منع کردن به قصد اصلاح آورده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۲۴۸). در صورتی که حکم با «فی» متعدی شود، به معنای سرپرستی جامعه است (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۱۹۰۲). حکومت در منابع دینی، فقط قضاوت را در بر نمی گیرد؛ بلکه اجرای احکام را نیز شامل می شود. بنابراین، واژه های حکم، حاکم و حکومت در تعبیرات اسلامی، در

ولایت عامه و رهبری تمام شئون جامعه اسلامی ظهور دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ۳۹۵).

انواع حکومت

حکومت را می‌توان از جنبه‌های مختلفی تقسیم کرد و انواع گوناگونی برای آن ذکر نمود. در یک تقسیم بندی، حکومت به فردی، گروهی و جمهوری قابل تقسیم است. در نوع فردی، حکومت به شیوه موروثی، استبدادی، انتخابی از جانب افرادی خاص یا مشروطه است. اگر قدرت در دست گروهی از افراد ثروتمند یا دارای شرافت طبقاتی و مانند آن باشد یا توسط جمعی از نخبگان اداره شود، حکومت گروهی خواهد بود. در حکومت جمهوری نیز قدرت و مناصب از جانب مردم به مسئولین و دولت‌مردان می‌رسد، بدون واسطه یا با واسطه (نوروزی، ۱۳۹۲ش: ۳۴-۳۸). حکومت الهی ذیل این اقسام قرار نمی‌گیرد و نقدهایی را بر هر یک وارد می‌سازد. در حکومت اسلامی، منبع، قانون خداوند است که براساس حکمت، مصالح و شناختی که از ابعاد وجودی انسانی دارد، تشریح می‌کند. حاکم باید دارای شرایطی باشد؛ از جمله عصمت، علم به قوانین الهی تا جامعه را بر طبق قوانین الهی اداره کند (همان).

جایگاه رهبر در حکومت اسلامی

حکومت اسلامی بر نظامی مبتنی بر دستور و برنامه الهی سامان یافته است. در برنامه الهی، حکمرانان که مسئولیت اجرای آن را بر عهده دارند، توسط خدا تعیین می‌شوند و در عین حال، مردم نیز به عنوان کسانی که دین برای رشد و تکامل آنان نازل شده، نقش اساسی در تشکیل و استمرار حکومت اسلامی دارند. به عبارت دیگر، مردم نیز در این برنامه و دستور دین، با نبی و امام مشارکت دارند تا هدف از ارسال دین که تکامل نفوس انسانی است، تحقق یابد. آنچه در آموزه‌های اعتقادی شیعی مسلم است و آن را از مذاهب اهل تسنن ممتاز می‌سازد، باور به این اصل اساسی است که نبی و امام از جانب خداوند متعال به این مقامات منصوب می‌شوند و به عنوان حاکم دینی، وظایف و شئونی را بر عهده دارند؛ برخی از این وظایف متوجه امور علمی است؛ همچون تبیین و تفسیر دین، محافظت از آموزه‌های اصیل اسلامی، مرجعیت علمی و پاسخگویی به نیازها، برخی از وظایف نیز ناظر اجرای احکام و حدود شرعی است. در کنار این، امام به تربیت نفوس امت می‌پردازد. حکمرانی سیاسی و تشکیل حکومت، رهبری و تعیین سیاست‌های کلی نیز به شئون حاکمیتی امام بازگشت دارد.

مشروعیت حضور مردم در حکومت اسلامی

درباره تأثیرگذاری مردم در امر حکومت، در منابع استنباطی دین به امور مختلفی اشاره شده است.

۱. آیات

انسان برای این هدف وارد دنیا می‌شود که استعدادها و توانایی‌هایش را به فعلیت برساند و تکامل پیدا کند. از آن جهت که زندگی در دنیا باعث مشغولیت انسان و فراموشی او از اهدافش می‌شود، انبیاء الهی برانگیخته می‌شوند تا با تبیین آموزه‌های الهی، عقل و فطرت آدمی را بیدار کنند و به فرموده حضرت علی علیه السلام، انبیاء مبعوث شدند تا دفائن عقول مردم را برانگیزند (نهج البلاغه، خطبه ۱).^۱

بخش عمده‌ای از نیازهای مردم در زندگی دنیایی با حضور در اجتماع برطرف می‌شود و رسیدن به مرحله‌ای که توان ایفای نقش اجتماعی داشته باشد، گام بزرگی در رسیدن به تکامل است. برپایی حکومت براساس مبانی الهی، همان چیزی است که پیشوایان الهی در کنار رشد و خودسازی فردی، به آن اهتمام ویژه داشتند. در قرآن کریم می‌فرماید: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید: ۲۵).^۲ انبیاء الهی با آوردن دستورات و معارف، مردم را آماده می‌کنند و زمینه ایجاد برپایی قسط توسط مردم را فراهم می‌کنند تا خود مردم به پا دارنده عدالت باشند. علاوه بر این، آیتی در قرآن بیان شده که به صورت کلی، مردم را در روند زندگی اجتماعی خود تأثیرگذار دانسته است؛ مانند این که فرموده: «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد: ۱۱).^۳ این که از تغییر احوالات یک گروه و قوم صحبت می‌شود، یعنی می‌تواند به سرنوشت اجتماعی آنان نظر داشته باشد. نهایت تأثیرگذاری در جامعه نیز تشکیل حکومت است.

این موارد به عنوان پایه دینی در مشروعیت داشتن حضور و نقش مردم در تشکیل حکومت مورد استناد قرار می‌گیرد و به زمان نبی یا امامی خاص اختصاص ندارد. بنابراین اصل تربیت نفوس در جهت رشد بصیرت و تقویت بنیان‌های اجتماعی در تمام حکومت‌های الهی وجود

۱. «و یشيروا لهم دفائن العقول».

۲. «لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط».

۳. «إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم».

دارد، از جمله حکومت علوی و مهدوی؛ اما آیات دال بر حضور مردم در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نکاتی فراتر از این مسئله اشاره دارد. آیاتی از قرآن که در منابع روایی و تفسیری به حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند زده شده، بر حضور افرادی دارای شرایط ویژه تکیه دارد:

«در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» (انبیاء: ۱۰۵)^۱

«ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم» (قصص: ۵)^۲

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد» (نور: ۵۵)^۳

با خصوصیتی که در این آیات بیان می‌شود، افرادی که قرار است حکومت مهدوی را تشکیل دهند، از دیگران متمایز می‌شوند. بندگان صالح، مؤمن، عمل‌کننده به امور شایسته، کسانی که پیشتر از جایگاه اصلی خودشان فاصله داشتند و در موضع ضعف نگه داشته شده بودند. اینها تعابیری است که تشکیل دهندگان حکومت مهدوی را ویژه می‌سازد. هنگامی که هدف، برپایی حکومت عدل جهانی است، کارگزاران و دست‌اندرکاران آن نیز باید به صفاتی آراسته باشند که توان انجام این مأموریت را دارا باشند. از این جهت، آنان بندگان مؤمن و دارای عمل صالح هستند که می‌توانند عهده‌دار عدالت‌ورزی در سطح کلان شوند.

۲. سیره معصوم

در مبانی اعتقادی امامیه این مسئله اثبات شده است که زمین نمی‌تواند لحظه‌ای از حجت الهی خالی بماند. امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر زمین بی امام گردد، فرو خواهد رفت (کلینی، ۱۳۸۱ق: ۱، ۳۳۴).

امام علی علیه السلام بلافاصله پس از رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مقام امامت رسید و از جانب خداوند متعال و با اعلام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امامت منصوب شده بود. با این وجود، امام علی علیه السلام در خطبه‌ای که ایراد فرمود، حضور مردم را سبب اتمام حجت بر پذیرش خلافت

۱. «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون».

۲. «ونريد أن نمن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين».

۳. «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض».

دانست. مراد حضرت در این سخنان، پذیرش یا عدم پذیرش امامت نیست؛ بلکه منظور پذیرش رهبری و خلافت دنیایی است که آن را پست تر از آب بینی بز معرفی می کند و مقبولیت مردم را به عنوان معیار حکومت ظاهری به حساب آورده است. حضرت علی علیه السلام خلافت و حکومت را به سبب حضور مردم پذیرفت و فرمود:

اگر آن اجتماع عظیم نبود و اگر تمام شدن حجت و بسته شدن راه عذر بر من نبود و اگر پیمان خدا از دانشمندان نبود که در مقابل پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت ننشینند و دست روی دست نگذارند، همانا افسار خلافت را روی شانه اش می انداختم و مانند روز اول کنار می نشستم (نهج البلاغه، خطبه ۳).^۱

امام فرمود اگر حضور مردم نبود، حکومت را نمی پذیرفتم، در واقع به همان حقیقتی اشاره دارد که در آیه آمده: «لیقوم الناس بالقسط» مردم در این جا قیام به عدل کردند و از حضرت درخواست داشتند که حکومت را بپذیرد، امام نیز اقدام مردم را بی جواب نگذاشت.

۳. روایات

امام علی علیه السلام چنین فرمودند:

اگر نبود حضور آن جمعیت و تمام شدن حجت با وجود یار و یاور و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستمدیده رضایت ندهند، هر آینه مهار شتر خلافت را بر شانه اش می انداختم (نهج البلاغه، خطبه ۳).^۲

اولین عاملی که در پذیرش امر خلافت در این کلام آمده، حضور مردم است.

همچنین فرموده:

رسول خدا مرا متعهد پیمانی کرده و فرموده بود: پسر ابی طالب! ولایت امت حق توست، اگر به دوستی و عافیت تو را ولی خود کرده و به رهبری و زعامت برگزیدند و درباره تو به وحدت نظر رسیدند، امرشان را به عهده بگیر و بپذیر؛ اما اگر درباره تو به اختلاف افتادند، آنان را به خواست خود واگذار؛ زیرا خدا راه گشایش بر روی تو باز خواهد کرد (طبری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۴۷۳).^۳

۱. «لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی كظله ظالم و لا سغب مظلوم لالقیق حبلها علی غاربها و لسقیق آخرها بكاس اولها».

۲. «لولا حضور الحاضر، و قیام الحجة بوجود الناصر، و ما اخذ الله علی العلماء أن لا یقاروا علی كظلة ظالم، و لا سغب مظلوم، لالقیق حبلها علی غاربها».

۳. «و قد كان رسول الله صلى الله عليه وآله عهد الی فقال: یا بن ابیطالب لك ولاء امتی فان و لوک فی عافیة و اجمعوا علیك بالرضا فقم بأمرهم و ان اختلفوا علیك فدعهم و ما هم فیة فان الله سیجعل لك مخرجاً».

زمانی ظهور اتفاق می افتد که مردم طالب امام باشند. روایات دال بر قیام‌های پیش از ظهور و آمادگی مردم برای چنین امری است. از منظر روایات نیز، در مقدمه قیام امام، سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد. آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است، نمونه‌ای از این قیام‌هاست. این جریان‌ها نیز بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد. در برخی روایات، سخن از دولت حقی است که تا قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه پیدا می‌کند.^۱ پس این قیام‌ها و آمادگی پیش از ظهور توسط مردم صورت می‌پذیرد که اولین گام در ایجاد حکومت است. در روایات دیگر، از یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان فرماندهان و کارگزاران نام برده می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود:

گوئی به آن سیصد و چند نفر یاران می‌نگرم که از نجف کوفه بالا می‌روند، گویا قلب‌های آنان (در استحکام و استواری) پاره‌ها و قطعه‌های آهن است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۴۱).^۲

در روایات دیگری نیز، از حلقه یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با تعداد بیشتری سخن گفته شده است؛ محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

هرگاه برای او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] ده هزار مرد جمع شود؛ پس در روی زمین، معبودی به جز خدا باقی نمی‌ماند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۰۷).

این گروه از یاران اگرچه در جمع یاران خاص قرار ندارند؛ اما متناسب با ظرفیت و توانایی‌های‌شان نقش‌آفرینی می‌کنند.

مجموع آنها بر این اصل اساسی دلالت دارد که پایه حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور مردم است و روایات دیگری که ویژگی‌های یاران حضرت را بیان می‌دارد، بر این نکته دلالت دارد که این اوصاف در حکومتی که بر پایه این عناصر شکل می‌گیرد تا چه اندازه اثرگذار است؛ به

۱. روایات متعددی در این خصوص نقل شده است که می‌توان به دو نمونه از آنها اشاره داشت:

الف) رسول الله صلی الله علیه و آله: «یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی؛ مردمی از مشرق قیام می‌کنند و برای ظهور مهدی زمینه چینی می‌کنند» (اریلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۵۳).

ب) امام باقر علیه السلام: «کأنی بقوم قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه فإذا رأوا ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوه فلا یقبلونه حتی یقوموا ولا یدفعونها إلا إلی صاحبکم قتلاهم شهداء؛ گویی قومی را می‌بینم که از شرق خروج کرده‌اند و خواستار حقتند، ولی به آنان داده نمی‌شود. سپس دوباره خواستار حقتشان می‌شوند و به آنان نمی‌دهند. چون چنین ببینند شمشیرها برهنه کنند و برگردن‌هایشان بگذارند. در این وقت حق آنان را بدهند ولی آنان نپذیرند تا آنکه قیام کنند و آن را جز به صاحب شما تحویل ندهند. کشته‌گانشان شهیدند» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۲۷۳).

۲. «لکانی انظر الیهم مصعدین من نجف الکوفه ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً کان قلوبهم زبر الحدید...».

لحاظ گستره آن که تمام نقاط زمین را شامل می‌شود «یملأ الارض قسطا و عدلا» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۱۷۸) و به جهت امتداد زمانی آن که تا قیامت را در برمی‌گیرد. ویژگی‌هایی همچون اطاعت‌پذیری^۱، ثبات ایمان^۲، ولایت‌پذیری و بذل جان برای حفاظت از امام^۳، عبادت و شجاعت^۴ و... که وجود آنها در یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه موجب امتداد این حکومت می‌شود؛ برخلاف آنچه در زمان امام علی علیه السلام رخ داد و قدرناشناسی مردم و عدم وجود بستر مناسب ایمانی در میان آنها منجر به اتمام حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان کوتاهی شد.

۴. اقتضای تشکیل حکومت

اداره جامعه نمی‌تواند فقط بر عهده رهبر آن قرار بگیرد؛ بلکه در مرحله اجرا نیز به عاملانی نیاز است. هنگامی که حکومتی بر پایه دستور و آرمان الهی برپا شود، کارگزاران و عاملان آن نیز باید بر پایه همان دستورات عمل نمایند. از این جهت، لازم است نیروهای تربیت شده و در کار وارد شوند تا عدالت‌ورزی و اقامه دستورات الهی را در مرحله عمل ایجاد کنند. علاوه بر این کارگزاران، عموم افراد جامعه نیز باید رهبر و نظام را پذیرا باشند و به اصطلاح، مقبولیت عمومی داشته باشد. اگر عموم مردم پذیرای نوع حکومت و حاکمان آن نباشند، تشکیل حکومت یا ممکن نیست یا موقتی و زودگذر خواهد بود.

مقبولیت نسبت به حکومت دینی به یک‌باره در زمان ظهور نمی‌تواند ایجاد شود. از این رو، مشتاقان امر امامت به منظور فراهم آوردن شرایط ظهور و عمل به تکلیف شرعی خود در برقراری عدالت اجتماعی و حدود شرعی، نظام دینی‌ای ایجاد کردند که همان آرمان‌های حکومت مهدوی را دنبال می‌کند. برپایی نظام جمهوری اسلامی که با حضور مردم درآمیخته و

۱. «هم أطوع له من الأمة لسیدها؛ مردانی که در میان امت، اطاعت پذیرترین آنان نسبت به مولای خود هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۰۷).

۲. «رجال كان قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله؛ آنان مردانی هستند که دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن است و هیچ تردیدی نسبت به ذات مقدس خداوند ندارند.» (حلی، ۱۳۹۱ق: ج ۱، ۴۱۵)؛ «رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته و هم أنصار المهدی فی آخر الزمان؛ مردان مومنی که خدا را چنان که شایسته است، شناخته‌اند و آنها یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۷، ۲۲۹).

۳. «رجال یحفون به یقونه بأنفسهم فی الحروب و یكفونه ما یرید فیهم و یدعون بالشهادة؛ یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه در میدان رزم در اطراف او را می‌گیرند و با جان خود از گزند حوادث محافظت می‌کنند و او هرچه بخواهد آن را کفایت می‌کنند و خواستار شهادت در راه خدا هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۰۸).

۴. «قد أثر السجود بجباههم رهبان باللیل كأن قلوبهم زبر الحديد؛ آثار سجده بر پیشانی آنها نقش بسته و آنان راهبان و عابدان شب هستند و مردانی که گویی دل‌هایشان پاره‌های آهن است» (همان: ۲۸۶)؛ «...رهبان باللیل، لیوث بالنهار؛ پارسایان شب و شیران روز...» (همان: ۳۰۴).

جمهوریت را در نام و هویت خود به کار گرفته است، نهایت رشد و کمال اجتماعی است که مردم می‌توانند به آن نائل آیند. همان‌طور که گذشت، رشد دادن مردم توسط انبیا و ائمه علیهم‌السلام و آزمایش آنان در زمان غیبت، به منظور رسیدن به جایگاهی است که عدالت‌ورزی را خودشان برپاکنند. تربیت نفوسی که در زمان غیبت، نائب امام شوند و در زمان حضور یار امام باشند. کمیت و کیفیتی که حضور مردم در شکل دهی و حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران تجربه کرد، در حکومت مهدوی تکرار می‌شود؛ البته با ابعاد جهانی و بین‌المللی؛ زیرا حکومت در صورتی در سطح جهانی قابل تشکیل است که افرادی به عنوان برپاکننده و گرداننده آن در سطح بین‌الملل حضور داشته باشند.

کیفیت حضور مردم در حکومت اسلامی

با روشن شدن این مطلب که اصل حضور مردم در حکومت، مشروعیت دارد، اینک باید به چگونگی این نقش‌آفرینی پرداخت. با توجه به این که حکومت حضرت علی علیه‌السلام تنها حکومت اداره شده توسط اهل بیت علیهم‌السلام است، با بررسی عملکرد امام در به کارگیری امت، می‌توان به چگونگی حضور مردم در زمان پس از ظهور رسید؛ زیرا مسیر مهدوی، همان مسیر علوی است؛ البته متناسب با اقتضائات جامعه و امت، تغییراتی در نحوه حضور مردم دیده می‌شود.

۱. حکومت علوی

امام علی علیه‌السلام مردم را به دو صورت شایسته ایفای نقش دانست: عموم مردم و یاران خاص.

الف) عموم امت

این یک اصل کلی است که از هر انسانی، به اندازه طاقت و توان او تکلیف خواسته می‌شود. عموم مردم نیز با توجه به انتظاری که از آنان می‌رود، می‌توانند در حکومت اسلامی اثرگذار باشند.

پذیرش رهبری معصوم و پای‌بندی به آن

امیرالمؤمنین علیه‌السلام با بیان وظایف مردم، نقش توده امت را در استمرار حکومت بیان می‌کند و می‌فرماید:

اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکار حق خیرخواهی را ادا کنید و چون شما را بخوانم، بیایید و چون فرمان دهم، بپذیرید و از عهده

برآئید (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).^۱

همین معنا را با عبارتی دیگر چنین بیان می‌کند: «و حال حکم فرمایان نیکو نمی‌گردد؛ مگر به ایستادگی رعیت در انجام دستور ایشان» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶)^۲ یعنی آنچه را در زمان تشکیل حکومت به عهده گرفتند که عبارت از پذیرش حضرت علی علیه السلام به عنوان رهبر و پیشوا بود، در ادامه نیز متناسب با همان عملکرد، بر آن عهد پای بند باشند.

نظارت و حفاظت از حکومت

امیرالمؤمنین علیه السلام به شکایات مردمی از فرمانروایان و نارضایتی آنان ترتیب اثر می‌داد. این یعنی حفظ حکومت توسط فرماندهان نیز با نظارت مردمی و حفاظت توده مردم انجام می‌پذیرفت. پس مردم هم در قبال امام مؤظف به اطاعت بودند و هم در مقابل نمایندگان او به اطاعت از فرامین و رصد اشتباهات آنان نقش آفرینی می‌کردند. مردم با نظارت بر عملکرد مسئولان و ساکت نبودن در مقابل خلاف و فساد آنان، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دادند که به دنبال خود رشد اجتماعی آنان را در پی داشت. یاران خاص و نخبگان نیز از ظرفیت و توانایی خود در پیشبرد حکومت الهی استفاده می‌کردند. پس هر دو گروه در خلال حکومت علوی به تکامل می‌رسیدند.

نمونه‌های مختلفی از ارزش قائل شدن امام علی علیه السلام بر نظارت مردم بر کار حاکمان و والیان گزارش شده است و در مواردی به عزل حاکمان متخلف منجر می‌شد. ماجرای سوده و شکایت او از یکی از والیان، نمونه‌ای روشن از این بها دادن به رأی مردم است. او می‌گوید: وقتی از ظلم مامور علی علیه السلام به او شکایت بردم و گزارش دادم، حضرت بی‌درنگ بر روی قطعه پوستی خطاب به آن حاکم چنین نوشت:

وقتی نامه مرا خواندی، آنچه از کار ما (مأموریت) در دست توست حفظ کن تا کسی به سراغت آید و آنها را از تو تحویل بگیرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۱، ۱۱۹).^۳

قیام به عدل و معروف

حضرت علی علیه السلام دیوان مظالم را ایجاد نمود که وظیفه آن رسیدگی به اعمال ظالمانه حاکم و امرا بود. این دیوان در بسط قدرت و نفوذ قانون بر حاکم ولایات، نظارت و دخالت می‌کرد. به عبارت دیگر، در یک طرف این دیوان، مخالفان رعیت و طرف دیگر دولت بود (شمس‌الدین،

۱. «و أما حقى عليكم فالوفاء بالبيعة والنصيحة فى المشهد والمغيب والإجابة حين أدعوكم والطاعة حين آمرکم».

۲. «ولا تصلح الولاية الا باستقامة الرعية».

۳. «فاذا قرأت كتابى هذا فاحتفظ بما فى يدك من عملنا حتى يقدم عليك من تقبضه منك والسلام».

بی تا: ج ۱، ۵۳۷). نامه امام علی علیه السلام به فرمانداران مناطقی که سپاه اسلام از آن جا عبور می کرد، شاهدهی بر همین امر است:

پس دور کنید و به کیفر رسانید سپاهی را که (گرسنه و بیچاره نیست و) برای ستمگری (به مال مردم) دست درازی می کند و بی خردان تان را از جلوگیری و تعرض به ایشان در آنچه اجازه دادم باز دارید (تا فتنه و آشوب برپا نشود) و من پشت سر سپاه هستم، پس به من خبر دهید ستم هایی را که از ایشان به شما رسیده و سختی را که از روش آنها به شما رو آورده و نتوانستید جلوگیری نمائید؛ مگر به یاری خدا و به مراجعه به من، پس من به کمک و خواست خدا آن را اصلاح خواهم کرد (به شکایات شما رسیدگی نموده، ظلم و ستم آنها را دور می گردانم) (نهج البلاغه، نامه ۶۰).

بازستانی حق ستمدیده از عاملان دولتی و حکومتی که در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام ایجاد شد، در راستای گسترش عدل در جامعه اسلامی بود. حضرت خانه ای را در مدینه به این کار اختصاص داد و آن را دیوان المظالم نامید. مردم شکایات های خود را برای رسیدگی به درون آن خانه می انداختند و خود حضرت شکایات را بررسی می نمود (الکتانی، بی تا: ج ۱، ۲۶۸). حکومت امام مهدی علیه السلام نیز با شاخصه عدل محوری شناخته می شود. در آن حکومت موعود نیز اجرای عدالت با مشارکت مردم صورت می گیرد؛ زیرا همان گونه که روشن شد، برپایی عدل هدف غایی در حکومت الهی است؛ اما اجرای آن به مشارکت مردم و برای رشد ملکات پسندیده اخلاقی در نفوس مؤمنان است.

می توان این چنین نیز تصویر نمود که مردم در زمان امام علی علیه السلام، امر به معروف و نهی از منکر دولت مردان را بر عهده داشتند و بصیرت عمومی را به این ترتیب رشد می دادند و مردم را از امر حکومت جدا نمی دانستند. این سبب رشد توده مردم می شد؛ البته قضاوت و عزل و نهی نهایی با امام بود که حق و باطل را از هم جدا سازد. در بیانی دیگر از حضرت علی علیه السلام چنین مشاهده می شود:

ای مردم، من عبدالله بن عباس را به عنوان جانشین خود بر شما حاکم و والی قرار دادم. سخن او را بشنوید و از امر او مادام که در اطاعت خدا و رسول اوست اطاعت کنید و اگر بدعتی نهاد یا از حق روی گردان شد به من اطلاع دهید تا او را از حکومت کردن بر شما عزل کنم (مفید، ۴۱۳ ق: ج ۱، ۴۲۰).^۱

۱. «یا معاشر الناس، قد استخلفت علیکم عبدالله بن عباس، فاسمعوا له و اطیعوا امره ما اطاع الله و رسوله فان احدث فیکم او زاغ عن الحق فاعملونی اعزله عنکم».

ب) خواص و نخبگان

نخبگان که از توانمندی بیشتری برخوردارند، علاوه بر وظایف عمومی، کارویژه‌هایی نیز به عهده دارند.

وظایف عمومی

آنچه توده مردم در پذیرش ولایت معصوم و وفای عهد انجام می‌دانند، اولین گام برای قرار گرفتن در نقش‌آفرینی بود و طبیعتاً نخبگان نیز باید آن را ایفا می‌کردند. همچنین حضور در عرصه نظارت و حفاظت از حکومت و تلاش برای گسترش معروف و عدالت در جامعه، به عنوان وظایف عمومی بر عهده خواص نیز قرار داشت؛ علاوه بر آن، به امور متناسب با تخصص خود نیز می‌پرداختند.

مدیریت‌های خرد و کلان

امام علی علیه السلام، افراد خاص و نخبگان جامعه را در سطوح مدیریتی مناسب قرار می‌داد و فضای مناسب با رشد و تکامل استعدادها و قوای این گروه هم در اختیارشان قرار می‌گرفت. این معنای دقیق از حکومت عدل است که هر فردی متناسب با جایگاه و توانایی‌هایش، بتواند در حکومت الهی اثرگذار باشد و استعداد‌هایش را ظاهر و فعلی کند. آنچه افراد خاص در پیش‌برد اهداف حکومت انجام می‌دهند، متناسب با ویژگی‌های آنان است. از این رو، حضرت علی علیه السلام افراد توانمند را به سرزمین‌های مختلف می‌فرستادند و حاکمانی را تعیین می‌کردند. این افراد به اوضاع مردم رسیدگی می‌کردند و بخش مهمی از حفظ حکومت اسلامی بر عهده آنان بود. امام علی علیه السلام درباره ضرورت به کارگیری نخبگان چنین فرموده:

چهار چیز نشانه فروپاشی دولت‌هاست: تباه‌سازی اصول و آرمان‌ها یا کارهای مهم (خط قرمزها)، پرداختن به امور جزئی و حاشیه‌ای و فرعی، جلو افتادن فرومایگان و پس ماندن شایستگان (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۸۰۰).^۱

البته در این باره توصیه‌های اخلاقی و چگونگی مهار نفس در مواجهه با قدرت را به آنان داده و از هیچ جنبه‌ای در ارتقای نفوس آنان کوتاهی نمی‌ورزید و غفلت نمی‌کرد:

باید گزیده‌ترین سران سپاه تو آن باشد که با سپاهیان یار باشد و آنان را کمک کار، و از آنچه دارد بر آنان بخشاید که شایسته خود و اهل‌شان که در خانه نهاده‌اند باشد تا عزم همگی در جهاد با دشمن عزم گردد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).^۲

۱. «یستدل علی ادبار الدول باریع: تضييع الاصول و التمسك بالفروع و تقديم الاذل و تأخير الافاضل».

۲. «و لیکن اثر رؤس جندک عندک من واساهم فی معونته و افضل علیهم من جدته بما یسعهم ویسع من وراءهم من خلوف

۲. حکومت مهدوی

در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مردم در دو سطح مشغول می‌شوند.

الف) توده امت

مردم در زمان غیبت امام معصوم، حضوری متفاوت خواهند داشت که متناسب با شرایط ایجاد شده است.

اطاعت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

همان گونه که درباره حضور مردم در حکومت علوی گذشت، اولین قدم برای ایجاد حکومت و استمرار آن، تبعیت از امام معصوم است که این مسئله، بعد از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمود کامل‌تری خواهد داشت.

پیروی از نایبان عام

در زمان غیبت علاوه بر تبعیت از امام معصوم، اطاعت از نایب امام نیز واجب است که در بخش نقش آفرینی ولی فقیه، توضیحات بیشتری ارائه می‌شود.

تأثیر حضور و همراهی مردم در ایجاد نظام اسلامی را نیز باید به عنوان حقیقتی انکارناپذیر به خاطر سپرد. از اسباب مهمی که از ایجاد حکومت الهی در طول تاریخ جلوگیری کرده، عدم اقبال از جانب مردم است. اما باید به این نکته نیز توجه نمود که اصل ایجاد ولایت، با پذیرش مردم حاصل نمی‌شود. همان گونه که نبی و امام از جانب خداوند متعال منصوب می‌شوند و دیگران نمی‌توانند آنان را از ولایت عزل کنند، ولی فقیه هم در صورتی که شرایط در او حاضر شود، بنابر احکام عامی که از ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است، به ولایت می‌رسد و مردم توانایی کنار گذاشتن او از مقام ولایت را ندارند؛ اگرچه ممکن است در دورانی، مردم به رشد فکری و ایمانی لازم نرسیده باشند و او را به عنوان ولی خود نپذیرند؛ همان گونه که در عصر ائمه معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین امری پیش آمد. امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف از جانب خداوند متعال و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امامت منصوب شده بود. با این وجود در خطبه‌ای که ایراد فرمود، حضور مردم را سبب اتمام حجت بر پذیرش خلافت دانست که منظور پذیرش رهبری و خلافت دنیایی است.

اگرچه این حضور پیش از ایجاد حکومت مهدوی است؛ لکن از آن جهت که زمینه‌ساز حکومت عدل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، می‌توان آن را ایفای نقش مردم در تشکیل

اهلیم حتی یكون همهم هما واحدا فی جهاد العدو».

حکومت دانست.

عمل به وظایف منتظران

در روایات به وظایف منتظران ظهور اشاره شده و ابعاد مختلفی برای آن لحاظ شده است؛ اقتصادی، نظامی، معرفتی، اصلاح فردی و تهذیب، اصلاح اجتماعی و... که می‌تواند به نوعی زمینه فکری و عملی برای ظهور را فراهم سازد و از این جهت نیز به ایجاد زمینه در تشکیل حکومت مهدوی منجر شود؛ از جمله شناخت و معرفت نسبت به امام که خود، زمینه‌ساز تبعیت از او را فراهم می‌کند.^۱ یا توانمندی نظامی که به منظور غلبه بر دشمن انجام می‌گیرد و در برپایی حکومت مؤثر خواهد بود.^۲

ب) خواص و نخبگان

با توجه به آنچه در عقاید و احکام شرعی شیعه اثنی عشری آمده، خواص و نخبگان در زمان غیبت به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ ولی فقیه و نخبگان دیگر.

خواص

می‌توان به صورت مشخص از سیصد و سیزده نفر یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه نام برد که در زمان ظهور، فعالیت خود را آغاز می‌کنند. بیشترین نقشی که درباره این افراد در روایات به آن پرداخته شده، جهاد و پیکار نظامی برای برپایی حق است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۰، سوره هود فرمود:

منظور از قوه، همان قائم علیه السلام است و منظور از رکن شدید (پشتیبان محکم) ۳۱۳ نفر از

یارانش هستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ۳۴۳).^۳

در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است:

بر شمشیرهای آنها هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه آن، کلید هزار کلمه دیگر

است (حر عاملی، ۱۴۲۵، ج ۷، ۹۱).

علاوه بر این، حکومت بر ولایت‌ها و زمامداری از نقاط مختلف حکومت مهدوی نیز بر عهده

۱. «مردی عرض کرد: ای پسر پیامبر! پدر و مادرم فدای شما باد، معرفت خداوند چیست؟ فرمود: شناخت اهل هر زمانی نسبت به امامشان، امامی که طاعت او بر آنان واجب است» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۵۱).

۲. «هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم علیه السلام هر چند به اندازه یک تیر، مهیا کند. هر گاه خدای تعالی چنین نبیتی از او ببیند، امیدوارم عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند» (نعمانی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۷۳).

۳. که در آن آیه آمده، حضرت لوط علیه السلام به قوم سرکش و تبه‌کار خود گفت: «لو ان لی بکم قوه اوی الی رکن شدید»؛ (افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آن‌گاه می‌دانستم که با شما پست فطرتان چه کنم).

این یاران ویژه خواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا امام قائم علیه السلام را بر بالای منبر کوفه می‌نگرم که یارانش ۳۱۳ نفر، به تعداد جنگ آوران مسلمان جنگ بدر، اطرافش را گرفته اند، این یاران پرچم داران و حاکمان بر مردم در زمین از جانب خدا هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۴۳۶).

ولی فقیه

چیزی که در ایجاد حکومت امام زمان علیه السلام مهم به نظر می‌رسد و تفاوتش را با برپایی حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام آشکار می‌کند، این است که در زمان غیبت، طلایه دار یاران خاص حضرت و نخبگان، ولی فقیه است. همان گونه که حضرت علی علیه السلام افرادی را به فرمانروایی منصوب داشت و تبعیت از آنان را بر مردم لازم شمرد، حضرت مهدی علیه السلام نیز در توقیع شریف، مردم را به عالم دارای شرایط ارجاع می‌دهد:

اما در رویدادهای زمانه، به روایان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم.^۲

این دیدگاه مبتنی بر این است که تعریف از انتظار، به مفهومی برای تخیل و مانعی برای حکومت ترجمه نشود. در این صورت، در زمان امامت امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت نیز می‌توان این ارتقاء و رشد عظیم را در سطح مومنان و خواص از یاران امام زمان علیه السلام مشاهده نمود که با ایجاد حکومت اسلامی توسط عالمان دینی در عصر ظهور، جان تازه‌ای به معنای انتظار بخشیدند و آن را در راستای بعثت انبیاء به شمار آوردند؛ از باب قیام مردم به قسط و عدل. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

هدف بعثت انبیا به مسئله‌گویی محدود نمی‌شود و این گونه نیست که آنان تنها همین مسئولیت را به فقها واگذار کرده باشند. در حقیقت، مهم‌ترین وظیفه انبیاء، برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است که با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد. این مهم با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود؛ مانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند (موسوی خمینی، بی تا: ۷۰).

۱. «و كَأَنِّي أَنْظِرُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى مَنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ الْبَدْرِ؛ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأُلُوبِيَّةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ».

۲. «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا، فانهم حجتي عليكم وانا حجة الله عليهم» (ابن بابويه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۴۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۱؛ طوسی، ۱۳۸۶ق: ج ۲، ۲۸۴).

رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید:

ایجاد و حفظ نظام اسلامی بالاترین معروف است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱).

از منظر روایات نیز، در مقدمه قیام امام، سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد. این جریان‌ها نیز بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد. در برخی روایات، سخن از دولت حقی است که تا قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه ادامه پیدا می‌کند.^۱ بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولت‌های شیعی معاصر خود حسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه ادامه خواهد یافت، همان سلسله دولتی باشد. این احتمال هرچند ناشی از ضعف اطلاعات اجتماعی و عدم بینش صحیح آنان نسبت به اوضاع سیاسی زمان خود بوده، اما حکایت‌گر آن است که استنباط این شخصیت‌ها از مجموع آیات و اخبار و احادیث این نبوده که جناح حق و عدل باید به کلی نابود شود تا دولت مهدوی ظاهر شود؛ بلکه آن را به صورت پیروزی جناح عدل و تقوا بر جناح ظلم و فساد تلقی می‌کرده‌اند. در نتیجه قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است (مطهری، بی تا: ج ۲۴، ۴۴۳).

به نظر نگارنده، قیام حقی که پیش از ظهور رخ می‌دهد و شکل‌دهی نظام اسلامی در زمان غیبت، کارویژه ولی فقیه به شمار می‌رود و او تنها کسی است که می‌تواند در زمان غیبت، از عهده انجام این کار برآید. ویژگی‌های که برای ولی فقیه تعریف شده است، ذهن را برای شناخت این حقیقت یاری می‌رساند. ایجاد حکومت بر پایه قوانین و احکام اسلامی و نظارت بر حسن اجرای آن، از کسی توقع می‌رود که در استنباط آموزه‌های دینی به درجه اجتهاد رسیده باشد. به حکم تدبیر و سیاست‌ورزی بتواند کشور را اداره کند و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی داشته باشد. در زمان غیبت امام معصوم، کسی که جامع این اوصاف باشد، همان نایب عامی است که در احادیث به او ارجاع داده شده^۲ و در اصطلاح ولی فقیه نامیده می‌شود. اگرچه این نوع از مشارکت مردمی در دوران حکومت موعود ایجاد نشده است؛ اما جدای از

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: «یخرج ناس من المشرق فیوطنون للمهدی؛ مردمی از مشرق قیام می‌کنند و برای ظهور مهدی زمینه‌چینی می‌کنند» (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ۲۵۳).

۲. «و اما من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفا علی هواه مطيعا لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه؛ و اما هر یک از فقهاء که خوددار و حافظ دین خود و مخالف هوای نفس و مطیع فرمان مولای خود باشد عوام حق دارند از او تقلید کنند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۲۷، ۱۳۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۵۶).

آن نیست؛ زیرا هدف این قیام به عدل، زمینه‌سازی همان حکومت مهدوی است. از این جهت، نقش مردم و ولی فقیه را می‌توان فراهم آوردن شرایط ظهور در عرصه بین‌المللی تعریف کرد و ایجاد حکومتی فعال در حوزه مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در سطح بین‌الملل را نوعی نمایش حکومت الهی دانست که مردم جهان و خواص و اهل تحقیق را به سمت آرمان‌های جمهوری اسلامی سوق می‌دهد و در ادامه به اعتقاد و باور آنان در منجی عدالت‌پیشه در جامعه جهانی رهنمون می‌سازد.

فرمایشات حضرت علی علیه السلام به توده مردم درباره کیفیت ارتباط با دست‌نشانندگان امام، در این جا نیز قابل تطبیق است، با تأیید این افراد و نظارت بر حسن اجرای قوانین اسلامی. بنابراین، اگرچه ایجاد و حفظ نظام اسلامی از شئون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام به حساب می‌آید و در غیاب آنان درباره ولی فقیه نیز تعریف می‌شود (موسوی خمینی، بی تا: ۷۰)؛ اما باید مقتضی برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم باشد که از مهم‌ترین آنها اقبال امت است.

پس در نظامی که قبل از حکومت مهدوی ایجاد می‌شود و زمینه‌ساز حکومت جهانی الهی است، مردم نقش مستقیم دارند. ولی فقیه نیز از طریق ایجاد نظامی مبتنی بر قوانین اسلامی و الهی، نیروسازی برای تأمین کادر حکومت جهانی را بر عهده دارد.

نتیجه‌گیری

شیعه معتقد است که امام معصوم شئونی دارد که اگر مجال ظهور و بروز یابد، در سیره امام دیده می‌شود. تشکیل حکومت یکی از شئون سیاسی امام است. بعد از این که اثبات شد مردم در حکومت موثرند و نقش و وظیفه آنان روشن شد، این نکته اهمیت می‌یابد که ویژگی‌های مردم بر کیفیت و کمیت حضور آنان دخالت دارد. یاران حضرت مهدی (عج) که ایمان راسخ، اطاعت‌پذیری از دستورات الهی و اوامر ولایی، فداکاری و ... دارند، توان ایجاد حکومت الهی در سطح جهانی و ادامه دادن آن تا پایان تاریخ بشریت را خواهند داشت. آنچه در حکومت علوی اتفاق افتاد، از پذیرش و مقبولیت مردمی، در حکومت مهدوی نیز خواهد بود. با این تفاوت که مقبولیت حکومت مهدوی در سطح عمومی‌تر خواهد بود تا امکان ایجاد نظام واحد جهانی وجود داشته باشد و ریزش‌هایی که در حکومت علوی دیده شد و بر اثر بی‌تابی در برابر عدالت حضرت علی (ع) و برآورده نشدن خواهش‌های نفسانی افراد بود، در حکومت جهانی نخواهد بود؛ زیرا این آخرین حاکم الهی است و دین و حکومت الهی غالب خواهد شد. همچنین گذراندن سختی‌ها و ابتلائات دوران ظهور، مردم را به حدی از بصیرت رسانده که واقعا خواستار

منجی و امام عادل هستند. همین بصیرت ایجاد شده، گامی مهم در تحقق حکومت الهی خواهد بود. هدف از بعثت انبیا و هدایتگری ائمه (ع)، رشد و تکامل انسان بوده است. آنچه انسان را به مراحل نهایی تکامل نزدیک می کند، برپایی عدل در جامعه است. این سطح از عدالت ورزی نیز بدون ایجاد حکومت جهانی، قابل تحقق نخواهد بود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیه، دوم.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز: بنی هاشمی، اول.
۴. آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم*، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *الصحاح*، بیروت: دارالعلم للملایین، اول.
۶. حر عاملی، محمد (۱۴۲۵ق)، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی، اول.
۷. حلی، حسن (۱۳۹۱ق)، *مختصر البصائر*، قم: نشر زائر.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بی جا: نشر الکتاب، دوم.
۹. شمس الدین، محمد مهدی (بی تا)، *نظام حکومت و مدیریت در اسلام*، ترجمه: آیت الله مرتضی زاده شیرازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، *المستترشد فی إمامة أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام*، تهران: مؤسسه الثقافة الإسلامية لکوشانپور.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۶ق)، *الاحتجاج*، نجف: دارالنعمان.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم: دارالمعارف الإسلامیة، اول.
۱۳. علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۱۱ق)، *الذخيرة فی علم الکلام*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: نشر اسلامی.
۱۴. الکتانی، عبدالحی (بی تا)، *التراتب الاداریه*، بیروت: دارالکتاب العربیة.

۱۵. کراچی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر، اول.
۱۶. کلینی، محمد (۱۳۸۱ق)، *اصول کافی*، قم: المکتبه الاسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۱۸. مطهری، مرتضی (بی تا)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۱۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الجمال*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، اول.
۲۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، هفتم.
۲۲. نوروزی، محمد جواد (۱۳۹۲ش)، *فلسفه سیاست*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۳. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای:
<https://farsi.khamenei.ir>